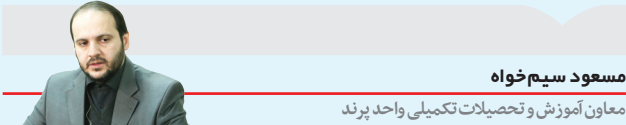




حرف آزاد استاد

پیشنهاد یک عنوان برای برنامه علمی در نظام پایش



مسعود سیم‌خواه

معاون آموزش و تحصیلات تکمیلی واحد پرند

با مروری مختصر بر عناوین برنامه‌های تخصصی‌یافته به‌برخی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی (به‌ویژه در استان تهران) متوجه خواهیم شد این عناوین «مهندسی محور» و متوجه «عینیات تمدنی» است. گواه این مدعا عناوین این برنامه‌ها است... علوم و مهندسی ورزش، صنعت و تجارت، مخاطرات محیطی، گیاهان دارویی و معطر و... البته پرواضح است که در این عناوین موضوعات بین‌رشته‌ای از علوم انسانی نیز گنجانده شده است. اما آنچه تابلو، شاخص اصلی و تاکید موکد است، همان جنبه‌های سخت‌افزاری و عدم توجه به مبانی فلسفی، روانی، اجتماعی و... پیشرفت و توسعه جوامع انسانی است. اینها همان «ذهنیات تمدنی» یا «عوامل پیشینی تمدن‌ساز» هستند. تمدن و مظاهر آن عینیت اندیشه و تفکر هر جامعه است. تمدن همان صنعت، تجارت، ساخت‌وساز، ورزش، پزشکی و... است که برپایه مبانی فکری و فلسفی هر جامعه بنا نهاده می‌شود. البته بحث در اینجا روی تقدم و تأخر دوگانه عین و ذهن نیست. قطعاً این دو ارتباطی دیاکتیکی برقرار است. عینیات پیرامون انسان بر ذهن انسان پدیدار می‌شوند و آن‌را شکل می‌دهند و بر آن تأثیر می‌گذارند. این شکل‌گیری ذهن خودروی عینیات پیرامونی انسان تأثیر می‌گذارد و مظاهر عینی تمدن را به سطحی بالاتر ارتقا می‌دهند. دوباره این مظاهر عینی تمدن ذهن انسان را در مرتبه‌ای بالاتر شکل می‌دهند و ذهن ارتقایافته انسان تمدن پیرامون او را ارتقا می‌دهد و قس علی‌هذه. چنین است که انسان از غارنشینی به برج‌نشینی رسیده، اما خرگوش همچنان در لانه زیرزمینی خود زندگی می‌کند. توضیحات فوق جایگاه ویژه علوم انسانی را مبرهن می‌سازد. توسعه و پیشرفت جوامع دو بال دارد؛ علوم انسانی و علوم دقیقه و مهندسی. فروگاهیدن یکی به جنس دوم قطعاً اثرات سوئی در سیر تحول و تطور جامعه به جای خواهد گذاشت. قطعاً تمامی جوامع توسعه‌یافته جایگاه ویژه‌ای برای علوم انسانی قائل هستند. شاید بهتر باشد جمله فوق را چنین اصلاح کنیم که جایگاه ویژه تفکر و تأمل در موضوعات بنیادین حیات انسانی برخی جوامع را به جوامع توسعه‌یافته تبدیل کرده است. ازجمله موضوعات مختلف علوم انسانی که حلقه وصل تمامی شاخه‌های علوم انسانی به یکدیگر و به علوم دقیقه و مهندسی است، موضوع یا مفهوم «توسعه و تعالی» است. با گسترش جوامع و ارتباط میان آنها مقایسه و ارزیابی جوامع مختلف به لحاظ عملکرد کلی آنها به میان آمد. در ابتدا برای مقایسه عملکرد جوامع مفهوم رشد (بیشتر با رویکرد اقتصادی) مطرح شد. رشد اقتصادی تغییرات تولید ملی کشورها در دو بازه زمانی است. اگر تولید ملی کشوری در یک سال نسبت به سال قبل افزایش داشته باشد، رشد اقتصادی محقق شده است و در غیر این صورت رکود. با توجه به این مفهوم جوامع به‌شدت در پی بالا بردن تولید ملی خود در بازه‌های زمانی معینی شدند. جوامع یا رشد بالاتر موفق‌تر و جوامع بارشد پایین و منفی ناموفق ارزیابی می‌شدند، اما در هیچ کجا به این موضوع توجه نمی‌شد که برای بالا بردن تولید ملی و دستیابی به رشد اقتصادی چه مواردی را از دست داده یا نابود می‌کنیم. در هیچ کجا ارزیابی نمی‌شد که برای دستیابی به رشد اقتصادی چه بر سر انسان می‌آید؟ انسان متعالی‌تر می‌شود یا به‌شدت از خود بیگانه می‌شود؟ جامعه همگرا می‌شود یا به سمت واگرایی سوق پیدای می‌کند؟ بر سر ارزش‌های انسانی چه می‌آید؟ کرامت و شأن انسان چطور می‌شود؟ آیا هم رده دیگر عوامل تولید می‌شود؟ ثروت حاصل از این تولید چگونه توزیع می‌شود؟ فرهنگ ملی، محلی و بومی جوامع چه می‌شود؟ چه بر سر محیط‌زیست می‌آید؟ و... با پدیدار شدن این دغدغه‌ها و عینیات پیرامونی در ذهن انسان، ذهن او به مرتبه‌ای بالاتر ارتقا پیدا کرد و مفهوم «توسعه» را به میان گذاشت. باتوجه به توضحات فوق معلوم است که رشد یک مفهوم تک‌بعدی است، بنابراین ارتقایافته این مفهوم باید چندبعدی و همه‌جانبه باشد. توسعه چنین مفهومی است. در بطن این مفهوم هم افزایش تولید ملی کشورها نهفته است، هم بررسی وضعیت انسان، جامعه و محیط‌زیست و در نتیجه تعالی انسان و سلامت جوامع بشری. از تعریف رشد مشخص است که این مفهوم، مفهومی کوتاه‌مدت است. چه اینکه بسیاری جوامع در چند دوره رشد بالایی را تجربه کرده‌اند، اما به یکباره دچار اضمحلال و ورشکستگی شده‌اند. بنابراین در مفهوم ارتقایافته رشد یعنی همان توسعه باید دید بلندمدت وجود داشته باشد. به عبارت دیگر زیرمفاهیم مطرح در توسعه باید در بلندمدت دارای پایداری و ثبات نسبی باشند. رشد در بلندمدت، سلامت و تعالی انسان، جامعه و محیط پیرامونی در بلندمدت، بنابراین در دل مفهوم توسعه، پایداری نیز نهفته است، اما برای تأکید موکد بر این موضوع از واژگان «توسعه پایدار» استفاده می‌شود. آنچه‌از مباحث فوق مشهود است، ضرورت مفاهیم ارزش‌بد به توسعه و از توسعه به توسعه پایدار است. آنچه از این حرکت منکشف می‌شود، تعالی انسان، اجتماع و محیط پیرامونی خواهد بود. یعنی این حرکت باید به خلق دنیایی بهتر که مظاهر تمدنی آن در خدمت انسان و زندگی متعالی او هستند، منجر شود. این حرکت باید به خودآگاهی فردی- جمعی انسان و رفع از خود بیگانگی منتهی شود. او باید با خود آگاهی فردی به جمعیت خود صحنه بگذارد و در نهایت خود را در سپهری در برابر که هر عمل او دارای اثر بر فرد- جامعه خواهد بود. لازم به ذکر است، در واژگان زبان پارسی برای کلمه تعالی معادل «سرآمدی» نیز در نظر گرفته شده است. اما به نظر واژه «سرآمدی» کمی رقابت‌جویانه است و کمی ایستا. برای سرآمد شدن باید با دیگران رقابت کرد. در واقع سرآمد بودن مستلزم وجود دیگرانی است که شخص از آنها بهتر باشد. رقابت یکی از مظاهر از خود بیگانگی انسان است. خودآگاهی فردی- جمعی انسان را به تعاون و مشارکت رهنمون می‌شود. همچنین سرآمد شدن یکپاره است. یک انسان یا یک جامعه یک بار سرآمد می‌شود و تمام. اما به نظر فضای کلمه تعالی کمتر رقابت‌جویانه و بیشتر پویا است. برای متعالی شدن نیاز به رقابت وجود ندارد. همچنین در بطن آن بهبود مستمر و دنیایی لایتناهی برای حرکت و به اوج رسیدن وجود دارد. بنابراین باتوجه به جمیع مباحث مطرح‌شده، پیشنهاد مشخص این نوشتار، عنوان «توسعه پایدار و تعالی انسان، اجتماع و محیط پیرامونی» است. برخلاف دیگر عناوین، زیربنای این عنوان، علوم انسانی است، اما به صورتی کاملاً بین‌رشته‌ای می‌توان از آن عناوین مشخص تحقیقاتی در سایر رشته‌های فنی- مهندسی، پزشکی و علوم پایه استخراج کرد.

نیمکت خبر

فراخوان جذب هیات علمی دانشگاه‌ها به تأخیر افتاد

رئیس مرکز هیات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از تغییر زمان فراخوان جذب بهمن خبر داد.
محمدرضا رضوان طلب روز دوشنبه در گفت‌وگو با خبرنگار دانشگاه و آموزش ایرنا اظهار داشت: «به مناسبت یوم‌الله افتخار آفرین ۲۲ بهمن و گرامیداشت چهلمین روز شهادت سردار دل‌ها شهید سپهبد قاسم سلیمانی، نظر به طولانی شدن دوره بازگذاری نیاز و بررسی‌های مربوطه در رده‌های نظارتی وزارت علوم، زمان آغاز فراخوان جذب به تأخیر افتاد». وی افزود: «پیش از این قرار بود فراخوان جذب هیات علمی از ۲۲ بهمن آغاز شود. بر این اساس زمان آغاز ثبت‌نام داوطلبان جذب از ساعت ۱۲ روز پنجشنبه ۲۴ بهمن ماه آغاز می‌شود و تا ۱۶ اسفندماه ادامه دارد. در پایان علوم هر سال دو فراخوان جذب هیات علمی در ماه‌های شهریور و بهمن برگزار می‌کند که در هر کدام از این فراخوان‌ها حدود ۸۰۰ نفر جذب می‌شوند.»

شهادت حاج قاسم سلیمانی آزمون الهی بود

مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با تأکید بر اینکه موضع ما در قبال شهادت سردار سلیمانی و سانحه هوایی به نحوی ابتلا به آزمون الهی است، اظهار داشت: «فهم درست ما از این اتفاق‌ها و ایمان و اعتقادی که در این زمینه در چنین شرایطی از مردم بروز می‌کند، می‌تواند صلوات و رحمت خداوند را به همراه بیاورد یا عکس آن رخ دهد.» وی با تأکید بر اینکه دانشگاه نیز در این شرایط مبتلا به امتحان بود، تصریح کرد: «بعد از فشارهای اقتصادی و تحریم‌های ظالمانه‌ای که دولت آمریکا به ملت ایران تحمیل کرد و در ادامه آن نیز حوادث آبان‌ماه رخ داد، تحلیل آمریکایی‌ها این بود که با ترور یکی از مطرح‌ترین شخصیت‌های سیاسی ایران می‌توانند به اهداف خود برسند تا دولت و مدیریت کشور اقتدار خود را از دست بدهد.»

رستمی با بیان اینکه حاج‌قاسم با شهادت خود رستاخیزی ایجاد کرد، گفت: «شهادت حاج قاسم سبب شد همه مردم از هر جناح، عقیده و تفکری برای تشییع او یک‌صدا شوند تا مراسم تشییع این بزرگمرد به‌مانند تشییع حضرت امام خمینی(ره) از نظر سیل جمعیت‌شود. این جمعیت به‌اندازه‌ای بود که ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا دچار وحشت شده و به مشاوران خود اعتراض می‌کند که شما آمریکا را وارد یک عملیات کور کردید.»



یزدان محمدی

روزنامه نگار

معمولا برای دانش آموزشی که‌می‌خواهند تازه‌از فضای مدرسه و خانواده جدا شوند و در شهر دیگری که چندان از آن شناخت ندارند، تحصیل کنند، دوران بسیار سختی رقم خواهد خورد. اما پس از گذشت حدود دو یا سه ترم، در این افراد که دیگر به آنان دانشجوی اطلاق می‌شود، تغییری رخ می‌دهد که هرگز به شهر یا محل تولدشان باز نخواهند گشت و در همان شهرهای بزرگ می‌مانند. این مساله برای کشور هزینه بسیار زیادی را تحمیل کرده، چرا که افراد برای حضور در دانشگاه‌های تهران زمان و هزینه‌های قابل توجهی پرداخت می‌کنند، اما همین افراد به دلیل نوعی کنشگری دیگر حاضر نخواهند شد به شهرشان بازگردند.
آنطور که آمارها نشان می‌دهد، بسیاری از دانشجویانی که حتی علاقه شدیدی نیز به خانواده و شهر خود دارند، پس از تحصیل در شهر تهران، دیگر حاضر نیستند به شهرها و شهرستان‌های خود بازگردند. تهران جذابیت زیادی برای مهاجران دائم و موقت دارد. سالانه هزاران نفر از نقاط مختلف ایران به‌منظور دستیابی به فرصت‌های بهتر کار، درآمد، تحصیل و زندگی به این شهر می‌آیند. بسیاری از این افراد که اغلب جوان، دانشجوی، کارمند یا کارگرند، به تنهایی و دور از خانواده خود به صورت «مجردی» زندگی می‌کنند. ترکیبی از نیازهای عاطفی، میل به فردیت، استقلال طلبی، میل به رشد و از همه مهم‌تر پیشرفت تحصیلی و حرفه‌ای و توسعه نامتوازن تهران در مقایسه با شهرستان‌ها باعث گرایش فزاینده دانشجویان به زندگی مجردی در تهران شده است. این مساله کم‌کم در سال‌های اخیر به نوعی معضل تبدیل شده است که حالا دانشگاه آزاد اسلامی برای آن راهکاری دارد.
روح‌الله دهقانی فیروزآبادی، معاون تحقیقات، فناوری و دانشگاه آزاد اسلامی در گفت‌وگویی تفصیلی با فرهیختگان «می‌گوید: «براساس طرحی که قرار است آن را در تهران اجرا کنیم، دیگر دانشجویان شهرستانی که برای ادامه تحصیل به تهران می‌آیند قرار نیست در این شهر بمانند؛ بلکه به وسیله جذابیت‌ها و ساختاری که طراحی کرده‌ایم، فرد پس از اتمام دوران تحصیل به یک تخصص موردنیاز در شهر خود دست پیدا کرده و در آن متخصص و حرفه‌ای شده است. در نتیجه باید برگردد و آن تخصص را که نوعی تخصص بومی همان منطقه است، توسعه‌ش دهد. این طرح به‌نوعی می‌تواند در صورت صحیح اجرا شدن غیر از توجه به استارت‌آپ‌های خدماتی به استارت‌آپ‌های تولیدی و منحصربه‌فرد نیز بینجامد.» این گفت‌وگورا در ادامه می‌خوانید.

ابتدا کمی از عقبه این طرح جدید در دانشگاه آزاد اسلامی بگویید
به‌خاطر سیاست‌های تاسیس دانشگاه‌ها که به هر حال یک منشأ غربی داشته‌اند و مسائل دیگری مانند امکانات رفاهی، دسترسی‌های شهری و حاکمیتی و... دانشگاه‌های تهران به شکل خاص، به‌فقط جذب استعدادهای کشور تبدیل شده‌اند. با اینکه در حال حاضر شهرهای بزرگی مانند تبریز، شیراز، اصفهان، مشهد و کرمان هم دانشگاه‌های خیلی خوبی دارند و با وجود همه توفیقاتی که این دانشگاه‌ها داشته‌اند، اگر دانشجویی در شهرستان باشد و توان اینکه به دانشگاه‌های تهران بیاید و تحصیل کند داشته باشد، می‌آید و در تهران تحصیل می‌کند، در این صورت نتیجه اتفاق چه خواهد شد؟ دانشگاه‌هایی که در تهران هستند، هر ساله سیل عظیمی از استعدادهای کشور را غریب‌ال می‌کنند و مغزها را به سمت مرکز کشور که تهران است، می‌کشند. در این حالت، شهرها به‌نوعی از مغزها خالی شده یا از تعداد استعدادهایشان کم می‌شود و این قضیه آسیب‌زننده است، چون اصولاً احتمال اینکه این افراد به شهر و روستای خود بازگردند بسیار کم است. طبق آمارهایی که وجود دارد، از هر ۱۰ دانشجوی مستعدی که به تهران می‌آید و تحصیل می‌کند، کمتر از سه نفر به شهرستان خود بازمی‌گردند و بقیه‌شان در تهران و شهرهای بزرگ دیگری که تحصیل کرده‌اند مشغول به کار می‌شوند و تعدادی نیز حتی به خارج از کشور می‌روند. اولین نتیجه این کار آن است که بعد از مدتی به شکل کاملاً غیرمحسوس یک افت کیفیت نسل در شهرها اتفاق می‌افتد. شهری رادر نظر بگیرید که ۳۰ سال استعدادهای آن با افتخار در کشور شرکت می‌کنند، راهی تهران و دانشگاه‌های مطرح شده و بعد هم در مراکز مختلف آن شهر مشغول کار می‌شوند. در اصل، جمعیت آن شهر کم نمی‌شود، اما نخبگان مانند شهره یک محصول از آن شهر گرفته می‌شوند. در اینجا اتفاق جالبی رخ خواهد داد و آن اینکه استعدادهایی که پس از ۱۰ یا ۲۰ سال در شهری پیدای می‌شوند، به لحاظ ژنتیک و وراثت با استعدادهای قدیم آن منطقه قابل قیاس نیستند و اصطلاحاً منطقه فقیر شده است.

یعنی دیگر آن منطقه استعداد نخواهد داشت؟

خیر، این طور نیست، اما منطقه که فقیر شود، در انتخابات، در گزینش مدیران شهری دولتی و خصوصی خود به‌خود سطح علمی افراد حاکم و سطح نخبگی تأثیرگذاران شهری پایین می‌آید و در مجموع کیفیت زندگی در شهرها روز بروز کاهش پیدای می‌کند. این مصیبت زمانی دوچندان می‌شود که همین نخبه‌ها و افراد خاص از کشور خارج شوند. در ایران می‌بینیم کسی

که از کشور خارج می‌شود، دیگر احتمال بازگشتش به کشور خیلی کم است. دانشگاه آزاد اسلامی در بحث مهاجرت یک گام به جلو رفته است. در دانشگاه آزاد اسلامی صرفاً «مهاجرت به خارج از کشور نخبگان» را مهاجرت نمی‌گوییم، بلکه مهاجرت مغزها از شهرهای محل سکونت‌شان نیز مهاجرت نام می‌گیرد. ما این را مشاهده کرده و آسیب‌های آن را رصد کرده‌ایم و بسیاری از مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی نیز در صدد مقابله با این مشکل برآمدند. از یک طرف نمی‌شود مانع ورود دانشجویان شهرهای مختلف به تهران شویم و از طرف دیگر می‌توان تعدادی کار زیرساختی و زیربنایی انجام داد و دانشگاه شهرهای مختلف را بهتر کرد، کما اینکه در این سال‌ها جمهوری اسلامی ایران توانسته تا حدی این مشکل تمرکزگرایی در تهران را از بین ببرد، اما نمی‌شود در همه شهرها یک دانشگاه شریف، امیرکبیر یا تهران ایجاد کرد. این واقعیت غیرقابل انکار است.

شما در این زمینه چگونه ارزیابی کردید تا به این نتیجه رسیدید؟
ما باید جاذبه‌هایی در شهرستان‌ها ایجاد کنیم که فرد وقتی به دانشگاه‌های تهران مراجعه می‌کند، پس از پایان تحصیل بازگردد. دانشجویی که به تهران مراجعه می‌کند، اصولاً به لیسانس بسنده نخواهد کرد و در مقطع کارشناسی ارشد یا حتی بعضی از آنها به دکتری نیز گرایش پیدا خواهند کرد. به‌طور میانگین افراد در این شرایط هشت تا ۱۲ سال در تهران زندگی خواهند کرد. براساس مطالعه میدانی ما، خصوصاً در برخی شهرها که قومیت‌های تعصبی‌تری نیز دارند، در ترم اول و دوم دانشجویان مصر هستند که بازمی‌گردند و معتقدند در صورتی که بتوانند در شهر خودشان و محل تولدشان کسب‌کار یا فعالیتی داشته باشند، حتماً بازمی‌گردند، چون تعلقات به خانواده زیاد است و هنوز درگیر زندگی فردی نشده‌اند.

این بریده شدن از تعلقات و وابستگی‌های خانوادگی در سال‌های آخر کارشناسی کم‌کم پیدای می‌شود و فرد احساس نیاز به کسب درآمد پیدای می‌کند و وارد اجتماع می‌شود و چون شرایط اشتغال در تهران به گونه‌ای است که مانند قلاب عمل می‌کند و فرد را به خود می‌کشد، کمی سخت می‌شود او را از این شرایط جدا کرد. همین فرد وقتی در تهران ازدواج کند، بازگشتش به شهرستان تقریباً صادمستقنی می‌شود؛ یعنی فرد وقتی وارد تهران می‌شود، اگر بخواهد دکتری بگیرد، حدود ۱۲ تا ۱۵ سال باید در تهران بماند. پس این شخص در این مدت تا حدی با شرایط تهران آشنا شده و دیگر شهر محل سکونت و تولدش برای او غریب خواهد بود، چرا که آن فرد حدود چندسال در تهران اشتغال داشته و اگر بخواهد به شهر خود بازگردد، باید از صفر شروع کند. عده‌ای دیگر از همین دانشجویان نیز هستند که در دوران تحصیل نتوانسته‌اند در تهران شغل دلخواه خود را پیدا کنند. آنها هم به شهر خود بازمی‌گردند، چرا که معتقدند اگر نتوانند در تهران شغل موردنظر خود را پیدا کنند، قطعاً در شهرستان هم نمی‌شود به آن رسید. ازدواج هم دلیل دیگری برای عدم بازگشت دانشجویان است؛ یعنی تمام این اتفاقات حول دو مورد اشتغال و ازدواج شکل می‌گیرند و این دو عامل هستند که درصد بازگشت را کم می‌کنند. برگشتن این افراد به شهرها منافع بسیاری دارد و کسی منکر این نیست. از سوی دیگر علاوه بر خلوت شدن شهر تهران، فضا برای ورود دوباره افراد جدید نیز مهیا می‌شود.

در این صورت دانشگاه آزاد اسلامی چه نقشی می‌تواند داشته باشد و اصلاً راهکار چیست؟

الان فضای استارت‌آپ‌ها خیلی نمود دارد و مانند گذشته که فضای صنعتی در کشور غلبه داشت، نیست. دانشجویان در استارت‌آپ تیم می‌شوند و رشد می‌کنند، اما متأسفانه بیشتر جنس این استارت‌آپ‌های کشور خدماتی است



عکاس: وحید سدرانی آره‌شنگان

و مغزهای ما به‌جای اینکه تولیدکننده شوند، دلال و کاسب می‌شوند. مثلاً افراد با استعداد در زمینه خرید یا فروش یک اپلیکیشن راه‌اندازی می‌کنند، بعد حدود ۵۰۰ نفر از کارگران خرد و کوچکی را که در این زمینه فعالیت داشتند، بیکار می‌کنند و خودشان می‌شوند ارباب و آن کارگران برده. این جنس استعداد چندان مفید نیست. زیرا وقتی فردی که با استعداد و نخبه بوده به راحتی به پول می‌رسد، دیگر به دنبال پژوهش نیست و اصطلاحاً دلال می‌شود. این نوع تفکر به‌خاطر شرایط فرهنگی و اجتماعی تهران نیز دوچندان می‌شود، چرا که این شهر شلوغ و پرجمعیت است و نیاز به نیروهایی دارد که برخی فعالیت‌های مردم را مدیریت کنند، اما برعکس در شهرها بیشتر فضای کسب‌وکارها تولیدی است. دانشگاه آزاد اسلامی بررسی کرده که مثلاً در شهرستان ملایر یا همدان سالانه چندین نفر برای ادامه تحصیل به تهران می‌آیند و چگونه می‌توان این افراد را به شهر خود برگرداند. ما باید یک سکوی زیرساخت ایجاد کنیم که این همدانی‌ها یا ملایری‌های مشغول به تحصیل در تهران را دور هم جمع کنیم. سپس به کمک بزرگان ملایر یا همدان ساکن در تهران و فارغ از اینکه این دانشجویان در چه دانشگاهی تحصیل می‌کنند، تیم‌های اولیه را زیر نظر تعدادی مربی قرار دهیم. این مربیان در زیرساختی که تحت عنوان «سکوی توسعه فناوری، میزبان» راه‌اندازی شده است، دانشجویان را آموزش می‌دهند و آنها میهمان میزبان می‌شوند. وقتی فضایی در اختیار این افراد قرار گیرد، امکانات، وام و تسهیلاتی به آنها ارائه شود و مربی و تجهیزات و آزمایشگاه برای آنها برقرار کنیم، به شرطی که کسب‌وکاری را حول ویژگی‌های شهر همدان یا ملایر مانند میل و منبت، فرآوری انگور، گردو یا... راه‌اندازی کنند، دیگر به راحتی می‌توانند پس از پایان تحصیل برگردند و صنعت منطقه را رونق بخشند.

سازوکار طرح «سکوی توسعه فناوری، میزبان» چیست؟
دانشجویان در این فضا از ترم‌های ۳ یا ۴ تیم‌بندی می‌شوند و پس از پایان تحصیل در کارشناسی، ارشد یا دکتری می‌توانند در آن صنعت فعالیت کنند و چاره‌ای جز بازگشت به شهره ای خود برای ادامه فعالیت و استارت‌آپ خود ندارند. این افراد در این مدتی که در تهران هستند و تحصیل می‌کنند، به‌راحتی آموزش می‌بینند و حرفه‌ای می‌شوند. برای اینکه فرد به علاقه‌مندی و رغبت به‌سراغ استارت‌آپ‌های بومی منطقه خود برود، ابتدا درصدی از سهام استارت‌آپ از او گرفته می‌شود و زمانی که به شهر خود بازگردد، مقداری از آن سهام به خود او بازگردانده می‌شود. این جاذبه‌هایی است که دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند ایجاد کند و برای این قضیه با همتی که دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران داشته، فضای حدوداً ۳۰ هزار مترمربعی از بهترین ساختمان‌هایی که در مرکز شهر است، در اختیار معاونت نوآوری و فناوری قرار داده شده است که برای توسعه این زیرساخت مورد استفاده قرار گیرد. در این زمینه معاونت علمی ریاست‌جمهوری نیز کمک کرده است و امید داریم تا پایان بهمن این مرکز تجهیز شود.

در این طرح غالباً چه افرادی مجری هستند؟

ما در این طرح با کمک نخبگانی که خودشان تجربه‌های این حوزه را دارند، به‌عنوان بهره‌برداران فعالیت را آغاز کرده‌ایم؛ یعنی مجریان برگزارکننده این طرح نیز از شهرهای مختلف بوده و در حال حاضر در تهران مشغول به تحصیل هستند و چنین فعالیت‌هایی داشته‌اند. تمرکز دانشگاه آزاد اسلامی روی صنعتی است که مستقیم با مردم سروکار دارد. ما در تهران به دنبال الگوسازی هستیم و می‌دانیم که برای این طرح ۳۰ هزار متر اصلاً مناسب نیست، اما انتظار داریم سایر دستگاه‌ها نیز به کمک ما بیایند و از این طرح حمایت کنند.

افزایش ۴۰ درصدی درخواست برای غذای دانشجویی

رحمان خداینده‌لو، مدیرکل دانشجویی معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت گفت: «باتوجه به شرایط اقتصادی امروز کشور درخواست استفاده از خوابگاه‌های دانشجویی زیاد شده است، به‌نحوی که نسبت به سال قبل ۲۱ درصد افزایش متقاضیان استفاده از خوابگاه‌های دانشجویی را داشته‌ایم و حدود ۴۰ درصد درخواست استفاده از غذای دانشجویی نسبت به سال تحصیلی قبلی افزایش پیدا کرده است.» وی در مورد بودجه فرهنگی و دانشجویی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور گفت: «اینکه می‌گوییم با تحولات بودجه‌ای که اتفاق افتاده، وضعیت معاونت فرهنگی و دانشجویی خوب است، به این معنی نیست که کمبود بودجه نداریم، بلکه با مبالغی که در چند ما گذشته تزییق شده است، بخشی از کمبود منابع حوزه تغذیه ترمیم شد. اما این نکته را فراموش نکنیم که ما سالانه ۵۷ میلیون پرس غذا به دانشجویان می‌دهیم که ۸۵۰ میلیارد تومان هزینه دربر دارد. اگر سرانه دانشجویی ما سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان تأمین شود، بازم ۱۶۰ میلیارد تومان کسری تنها در حوزه غذا داریم. وقتی مبالغی مانند ۱۵۰ میلیارد تومان به دانشگاه‌ها تزییق می‌شود، راه تنفس برای دانشگاه‌ها در دیگر حوزه‌های فرهنگی باز می‌شود.»